

## مسئولیت مدنی ناشی از فسخ و شرط فاسخ در قراردادها

مهدی میردادهشی\*، سید ابوالفضل حسینی سیرت\*\*، زهرا معماریان\*\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۲۲)

### چکیده

مسئولیت مدنی در معنی عام خود شامل دو بخش است: یکی مسئولیت قراردادی و دیگری مسئولیت خارج از قرارداد. مسئولیت قراردادی مسئولیتی است که در نتیجه تخلف از مفاد قرارداد خصوصی پدید می آید. همچنین مسئولیت خارج از قرارداد مسئولیتی است که ناشی از نقض قرارداد نیست بلکه ناشی از زیان و خسارتی است که شخصی به دیگری وارد می آورد و در نتیجه آن موظف به جبران خسارت زیان دیده می شود. مقصود از گنجانیدن شرط در قرارداد تحقق آن در خارج است. از این رو، اگر شرط غیر مقدر باشد، باطل تلقی می شود. یکی از دلایل انحلال عقود، شرط فاسخ است. براین اساس طرفین شرط می کنند اگر حادثه، فعل یا ترک فعلی رخ دهد عقد از بین برود. در این صورت با حصول معلق علیه، عقد منفسخ می گردد. در این موارد سبب انفساخ ارادی است و نتیجه به طور قهری ظاهر می گردد. مدت شرط فاسخ باید معلوم باشد. به علاوه امکان درج آن در تمام قراردادها وجود ندارد. در مدتی که شرط فاسخ وجود دارد طرفین باید از انجام هرگونه عملی منافی با حق طرف دیگر خودداری کنند.

### کلیدواژگان

شرط فاسخ، فسخ، مسئولیت مدنی، معلق علیه.

---

\* نویسنده مسئول: استادیار، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: mirdadashim@yahoo.com

\*\* استاد، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

\*\*\* مسئول مکاتبات: کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: z.n.memaryan@gmail.com

## مقدمه

افراد جامعه برای رفع نیازهای خود، مجبور به انعقاد قراردادهایی با یکدیگر هستند. بر همین اساس هدف هر یک از طرفین آن است که قرارداد به طور کامل بین آنها اجرا گردد. لیکن گاهی قرارداد به دلایل عدیده ای منفسخ می گردد. امروزه، شرط فاسخ، یکی از نهادهای انحلال قرارداد، دانسته می شود. شرط فاسخ، عبارت است از این که دو طرف قرارداد، به هنگام انعقاد آن، شرط می کنند که قرارداد مذکور، به صرف تحقق امری معین در آینده، بدون نیاز به انشای فسخ، خود به خود، منفسخ گردد؛ مثلاً در عقد اجاره ای شرط می کنند که اگر محل مأموریت مستأجر تغییر یابد، عقد اجاره، قهراً منفسخ است. (شهیدی، ص ۶۵) بنابراین، اثر شرط فاسخ، تعلیق انحلال قهری قرارداد است؛ یعنی: در قرارداد مشروط به شرط فاسخ، الزامات و تعهدات اصلی ناشی از قرارداد، به طور منجز و بلافاصله پس از انشای عقد ایجاد می شود و این تنها انحلال و انفساخ این تعهدات و الزامات ناشی از قرارداد است که به تحقق شرط خارجی، در آینده، معلق و وابسته می باشد. برای انحلال قرارداد، صرف تحقق شرط مندرج در قرارداد، کافی است و دیگر به انشای مستقل فسخ قرارداد، نیازی نیست. اما با این وجود مسئولیت مدنی که عبارت از مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی است (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ش ۷) در قانون مدنی ایران مورد قبول واقع شده، وقتی طبق قرارداد، متعهد می باید تکلیفی را انجام دهد مسئولیتی تحت عنوان مسئولیت قراردادی که در صورت عدم انجام می باید خسارت وارده را به خاطر (لزوم جبران ضرر ناروا) جبران نماید که ماده ۲۲۱ (ق.م) نیز این تکلیف را مشخص نموده است. در هر موردی که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، در برابر او مسئولیت مدنی دارد. این مسئولیت ناشی از اراده و اختیارات انسان است. در هر صورت با وجود مسئولیت مدنی عقود ممکن است به عوامل متعددی منحل شوند که در این مقاله به بررسی مسئولیت ناشی از فسخ و شرط فاسخ در قراردادها می پردازیم که آیا اگر دو طرف از قبل شرط کنند باز هم موجب مسئولیت مدنی می شود یا خیر؟

## مفهوم شناسی

### مسئولیت مدنی

هرچند که قانون مدنی تعریفی از مسئولیت مدنی به دست نداده است اما می توان گفت در مفهوم گسترده، مسئولیت مدنی همه عناوین الزامات خارج از قرارداد شامل غصب، اتلاف، تسبیب، استیفا، استفاده بلاجهت و اداره کردن مال غیر و خسارات حاصله از عدم اجرای تعهد و زیانهای ناشی از جرم را شامل می شود.

تنظیم رفتار افراد و نظم جامعه اقتضا می کند مقنن قواعد و دستورالعمل هایی را به عنوان تکالیف و الزامات بر شهروندان تحمیل نماید و برای آن ها ضمانت اجرا قرار داده و کسانی را که از این تکالیف و مقررات طفره می روند مورد بازخواست قرار دهد. با این وجود همه مقررات دارای ضمانت اجرای واحد نیستند؛ زیرا این مقررات بر مبنای ارزشی متنوعی استوار است؛ هر جا نقض قاعده ای باعث ضرر به پیکره اجتماع شود ضمانت اجرای شدیدتری لازم است که مسئولیت کیفری می باشد اما جایی که ضرر از روابط بین شهروندان فراتر نرفته و به جامعه ضرر نزنند مسئولیت مدنی محقق می شود. بنابراین ضمانت اجرای نقض قواعد و مقرراتی که باعث اضرار به شهروندان گردد مسئولیت مدنی است. به عبارتی تعهد و الزام به جبران خسارت وارده به دیگران را مسئولیت مدنی نامند.

### انفساخ

انفساخ مصدر باب «انفعال» از ریشه «فسخ» و به معنای شکسته شدن، برانداختن، تباه شده و متلاشی شده است. (انصاری، طاهری، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۸۳) پس از آن که قراردادی به طور صحیح منعقد گردید، ممکن است به دلایلی منحل گردد. یکی از این دلایل، انحلال قرارداد به صورت قهری و بدون دخالت اراده طرفین می باشد که به آن انفساخ می گویند. بنابراین انفساخ به این معنا است که رابطه ناشی از قرارداد بدون قصد و اراده طرفین معامله و به موجب حکم قانون از بین برود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۶۹۱) البته باید دانست که انفساخ قرارداد با بطلان آن

تفاوت دارد. اگر قراردادی باطل باشد به معنی بی اعتباری و عدم تأثیر آن است اما قرارداد در صورتی منفسخ می شود که ابتدا قراردادی به طور صحیح منعقد شده باشد سپس سببی موجب انفساخ آن گردد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۳۲۷)

### شرط در لغت

واژه شرط در لغت به معانی عهد، مطلق الزام و التزام به چیزی آمده است. (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۵۷؛ ابن منظور، بی تا، ج ۷، ص ۸۲؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۳۰۵) در این میان اگرچه برخی از اهل لغت، قید اندراج در ضمن عقد را نیز افزوده اند و به صورت تمثیلی قرار گرفتن آن در ضمن عقد بیع و امثال آن را لازم دانسته اند، در عین حال همان گونه که مرحوم شیخ انصاری نیز در باب شروط، اشاره می فرمایند: افزودن قید مزبور ناظر به غالب موارد است و از این رو نوعی قید غالبی است نه قید احترازی (انصاری، ۱۴۲۰، ص ۲۷۵) لذا ادله ای ناظر بر لزوم وفای به شرط، علاوه بر شروط ضمن عقد، شامل شروط ابتدایی غیر مندرج در عقد نیز می گردد.

### شرط در اصطلاح

از نظر اصطلاحی معانی متعددی از شرط ارایه گردیده است که هر یک از آنها در جایگاه ویژه خود مورد استفاده قرار می گیرد. از جمله مهم ترین این معانی عبارتند از: شرط در اصطلاح عرفی، نحوی، فلسفی، لصولی، روایی و حقوقی (انصاری، ۱۴۲۰، ص ۱۸۰)

### شرط فاسخ

تعلیق در انحلال عقد در لسان حقوق دانان به شرط فاسخ یا شرط انفساخ یاد می شود و در تعریف آن گفته اند: «شرطی که عقد را در معرض انحلال و اضمحلال در آینده قرار دهد.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۴۲۶) همچنین گفته اند: «شرط فاسخ تراضی است که دو طرف درباره انفساخ احتمالی عقد در آینده می کنند و بدین وسیله تعهدهای ناشی عقد را محدود به زمان معین یا عدم وقوع شرایط خاص می سازند.» (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۳۴۳)

## ارکان مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی در اصل ناشی از بی‌مبالاتی اشخاص است ولی برای تحقق مسئولیت مدنی وجود سه رکن ضروری است.

۱. وجود ضرر: هدف از قواعد مسئولیت مدنی، جبران ضرر است لذا وجود ضرر به طور طبیعی مقدم بر جبران آن خواهد بود. در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی در این‌باره چنین آمده است: «هر کس بدون مجوز قانونی ... لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

۲. ارتکاب فعل زیان‌بار یا نامشروع: ایراد ضرر به دیگری باید با فعل نامشروع انجام گیرد، تا قابل جبران باشد، در این‌باره نیز ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی چنین می‌گوید: «هر کس بدون مجوز قانونی ... فعلی انجام دهد که موجب زیان دیگری شود، ضامن است.» اما در صورتی که فعل مشروع باشد مثل دفاع مشروع، اگر موجب خساراتی شود، مسئول خسارات نخواهد بود؛ همان‌طوری که ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی نیز مؤید آن است.

۳. رابطه سببیت: صرف وجود ضرر و ارتکاب عمل نامشروع موجب جبران خسارت نمی‌شود و باید بین ضرر وارده، عامل و فعل زیان‌بار، رابطه سببیت احراز شود به طوری که عرف نیز به آن شهادت دهد.

## مسئولیت مدنی و صحت شرط فاسخ در اسلام

در فقه اسلامی قواعد گوناگونی وجود دارد که میتوان به عنوان مبانی مسئولیت مدنی در اسلام نام برد، از آن جمله قواعدی مثل قاعده لاضرر، قاعده اتلاف، قاعده تسبیب، قاعده ضمان ید و قاعده ضمان غرور را می‌توان برشمرد. از مجموع قواعد به دو نمونه آن اشاره می‌کنیم:

### ۱. مستندات قاعده لاضرر

**عقل:** مهم‌ترین دلیل برای نفی ضرر و ضرار، منبع چهارم فقه یعنی عقل است. در واقع باید گفت

که مدلول این قاعده جز «مستقلات عقلیه» است که عبارتند از اموری که بدون حکم شرع خود عقل به آن‌ها می‌رسد.

کتاب: در قرآن مجید آیاتی وجود دارند که با تصریح به واژه «ضرر» و مشتقاتش در موارد خاص، احکامی را ارایه کرده‌اند که از باب تعلیق حکم بر وصف، حاوی معنای عام هستند و «لاضرر» را به صورت یک قاعده می‌توانند تثبیت کنند از جمله: «لا تضار والده بولدها و لا مولود له بولده»؛ یعنی هیچ مادری نباید به فرزندش ضرر برساند و نیز هیچ پدری نباید به فرزندش زیان بزند. (بقره، ۲۳۳) طبق این آیه، از جمله مادران، نهی شده‌اند که با قطع شیر، موجب زیان و ضرر فرزند خود شوند.

روایات: در خصوص لاضرر، روایات بسیار زیادی وارد شده که از فرط تعدد به صورت تواتر اجمالی در آمده‌اند؛ به این معنا که هرچند همه روایات مذکور به یک لفظ نیستند، ولی مضمون واحدی دارند از جمله این روایات جمله لاضرر و لا ضرار در ذیل روایت شفعه است که مرحوم کلینی از عقبه بن خالد و او از حضرت صادق (ع) نقل کرده که آن حضرت (ع) فرمود: «وقضى رسول الله بالشفعه بين الشركاء في الارضين و المساكن و قال: لا ضرر و لا ضرار» (کلینی، ج ۵، ح ۴)، یعنی حضرت رسول خدا (ص) در مورد شفعه بین شرکا در زمین و مسکن قضاوت کرد و فرمود لاضرر و لا ضرار.

#### قاعده لاضرر در قانون مدنی ایران

قانون مدنی ایران در معارضه اعمال حق و قاعده لاضرر، حاکمیت ضرر را پذیرفته است و در این خصوص یک مورد را بیان می‌کنیم:

- تصرف مالک را در ملک خود در صورت استلزام تضرر همسایه ممنوع کرده است، جز در

شرایط معین (ماده ۱۳۲)

#### ۲. ید

ید عبارت از است از «سلطه و اقتدار شخص بر شیء به گونه ای که عرفاً آن شیء در اختیار و

استیلائی او باشد و بتواند هرگونه تصرف و تغییری در آن به عمل آورد.» (طباطبایی یزدی، ج ۳، ص ۱۱۸)

#### مستندات قاعده ید

فقها برای حجیت ید به چند دلیل استناد کرده اند که به اختصار عبارتند از:

**سیره:** روش مستمر مسلمانان در جمیع اصرار این بوده که با دارنده شیء معامله کرده، و بدون اذن و اجازه او در آن تصرفی نمی کنند. سیره در فقه یکی از مستندات است، ولی در صورتی حجیت است که به زمان معصوم (ع) متصل گردد، یعنی در زمان معصوم (ع) نیز معمول بوده باشد. بنای عقلا: هرگاه امری مورد پذیرش جمیع عقلا در تمام اقوام و ملل بوده باشد، چون شارع هم یکی از عقلا و به تعبیر بهتر در رأس آنان است، آن را تنفیذ و تجویز می کند. (محقق داماد، ج ۲، ص ۱۴۸)

**اجماع:** اجماع از دلایل حجیت ید است، البته اجماع مستقلاً دلیل نیست و فقط در صورت کاشف بودن از رأی معصوم (ع) حجیت دارد. (محقق داماد، ج ۲، ص ۹۱)

**سنت:** دلیل دیگر بر حجیت ید، روایات است. از جمله روایت حفص بن غیاث که در میان فقها بسیار معروف است در مورد ید از حضرت صادق (ع) نقل می کند که: آن حضرت (ع) به مردی که از ایشان سوال کرده بود آیا اگر من چیزی در دست کسی ببینم جایز است شهادت بدهم آن شیء مال او است؟ فرمود: آری جایز است. آن مرد گفت: شهادت خواهم داد که آن مال در دست او است، ولی گواهی نمی دهم که به او تعلق دارد، زیرا ممکن است مال دیگری باشد. حضرت (ع) فرمود آیا حلال است آن شیء از او خریده شود؟ مرد گفت: آری حلال است. امام (ع) فرمودند: شاید مال دیگری باشد پس چگونه جایز است تو آن را بخری و بعد از تملکش بگویی که متعلق به من است و بر آن سوگند یاد کنی، ولی جایز نیست نسبت به مالکیت کسی که تو از ناحیه او مالک گردیده ای اقرار کنی؟ سپس حضرت (ع) فرمود: «لو لم یجز هذا لم یقم للمسلمین سوق»؛ یعنی اگر این امر جایز نباشد برای مسلمان ها بازاری بر پا نمی ماند. (حرعاملی، ج ۱۸، ص ۲۱۵)

### قاعده ید در قانون مدنی ایران

قانون مدنی ایران به پیروی از نظریه مشهور در این مورد در ماده ۳۷ می‌گوید: «اگر متصرف فعلی اقرا رکند که ملک سابقاً مال مدعی او بوده است، در این صورت مشارالیه نمی‌تواند برای رد ادعای مالکیت شخص مزبور به تصرف خود استناد کند، مگر این که ثابت نماید که ملک به ناقل صحیح به او منتقل شده است.»

### قلمرو مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی در معنی عام خود شامل دو بخش است: یکی مسئولیت قراردادی و دیگری مسئولیت خارج از قرارداد.

#### ۱. مسئولیت قراردادی

مسئولیت قراردادی مسئولیتی است که در نتیجه تخلف از مفاد قرارداد خصوصی پدید می‌آید. در نتیجه عدم اجرای قرارداد، کسی که به عهد خود وفا نکرده و باعث ضرر طرف قرارداد خود شده باید زیان وارد آمده را جبران کند. از آنجا که ریشه این مسئولیت، تخلف از قرارداد است به این مسئولیت، مسئولیت قراردادی گفته شده است. تعهدی که نقض شده تعهد اصلی و تعهدی که به علت نقض قرارداد به عقده مسئول قرار می‌گیرد تعهد عرفی نامیده‌اند. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۷۳)

در جستجو از نص صریح برای اینکه شرط قابلیت پیش بینی ضرر را برای مطالبه خسارت بیان کرده باشد، نمی‌توان چنین نصی یافت ولی با مراجعه به عموم و اطلاق بعضی موارد می‌توان چنین شرطی را معتبر دانست از جمله ماده ۲۲۱(ق.م) که می‌گوید: «اگر کسی تعهد اقدام به امری بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد.»

نظر بسیاری از حقوق دانان بر این است که در مسئولیت قراردادی باید ضرر پیش بینی شده باشد. بعنوان مثال، دکتر سید حسن امامی می‌گویند: «... چنان که در تسبیب گفته خواهد شد کسی



که سبب اضرار دیگری می شود در صورتی مسئول می گردد که در فعل خود تقصیر نموده و نتیجه آن عمل عموماً پیش بینی می شده است.» (امامی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۴۰)

در این باره از ماده ۲۲۱ (ق.م) از جمله موادی است که بر شرط قابل پیش بینی بودن ضرر می شود به آن استدلال کرد این ماده می گوید: «هرکس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت آن برآید.» طبق این ماده اگر عرف تشخیص دهد که خسارتی وارد شده است، این خسارت قابل مطالبه است.

نظر دکتر شهیدی در خصوص لزوم قابلیت پیش بینی ضرر در مسئولیت قراردادی: ایشان با توجه به ماده ۲۲۹ (ق.م) که مقرر می دارد: «اگر متعهد به واسطه حادثه ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار او است نتواند از عهده تعهد خود برآید محکوم به تأدیه خسارت نخواهد بود.» ایشان می گویند: در بدو امر چنین به نظر می رسد که اگر متعهد می توانسته از حادثه جلوگیری نماید محکوم به تأدیه خسارت است. ولی با کمی دقت می شود گفت که مراد قانون گذار از حادثه ای که رفع آن خارج از حیطه اقتدار متعهد است، حادثه ای که رفع آن در حدود اراده طرفین و پیش بینی ایشان خارج از حیطه اقتدار متعهد است. پس ماده ۲۲۹ تعارضی با محدود بودن تعهد به میزان پیش بینی آثار ندارد.» (شهیدی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۲۶)

## ۲. مسئولیت غیر قراردادی

این مسئولیت همان طور که از نام آن پیداست ناشی از نقض قرارداد نیست بلکه ناشی از زیانی است که شخصی به دیگری وارد می آورد و در نتیجه آن موظف به جبران خسارت زیان دیده می شود. بعضی گفته اند که مسئولیت مدنی خارج از قرارداد ناشی از تخلف مشخص از تکالیف همگانی قانون مثل منع آدم کشی، منع سرقت، عدم خیانت در امانت و محتاط بودن است. (کاتوزیان، ج ۱، ص ۷۳)

ماده ۳۰۷ (ق.م) می گوید: «امور ذیل موجب ضمان قهری است، ۱. غضب و آنچه در حکم غضب است. ۲. اتلاف ۳. تسبیب ۴. استیفاء.» این ماده به بحث از غضب و اتلاف و استیفاء ناروا که از موارد ضمان قهری هستند پرداخته است. و نیز ماده ۳۰۱-۳۰۶ همین قانون به بحث کلی از پرداخت ناروا و اداره فضولی اموال دیگران پرداخته است ولی در مسئولیت مدنی نیز با ره آورد

تقصیر به عنوان رکن مسئولیت بسنده کرده که نتیجه آن طرح شرط تسبیب در الزام های خارج از قرارداد بوده که در ماده ۵۲۰ (آ.د.م) فعلی انعکاس آن دیده می شود. متن این ماده «در خصوص مطالبه خسارت وارده، خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است، در غیر این صورت دادگاه دعوای مطالبه خسارت را رد خواهد کرد.»

### انفساخ قرارداد

انفساخ قرارداد را می توان با توجه به سبب آن به دو قسم تقسیم نمود:

#### ۱. انفساخ ناشی از تراضی

ممکن است انفساخ ناشی از توافق طرفین قرارداد باشد مثل این که در عقد بیع شرط شود که در صورت عدم در این گونه شروط، طرفین قرارداد توافق می کنند تا در صورت حصول شرایط مقرر شده، تحویل مبیع در موعد معین عقد بیع خود به خود از بین برود، عقد منفسخ گردد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۸)

باید دانست که شرط فاسخ هم در عقود لازم و هم در عقود جایز کاربرد دارد. عقد لازم، و هم در عقود جایز کاربرد دارد. عقد لازم، عقدی است که هیچ یک از طرفین معامله حق فسخ آن را نداشته باشد. (م ۱۸۵ق.م) در حالی که عقد جایز، عقدی است که هر یک از طرفین هر وقت بخواهد، می تواند عقد را فسخ کند. (م ۱۸۶ق.م) بنابراین اگرچه در عقد جایز هر یک از طرفین هر وقت بخواهد می تواند عقد را فسخ نماید اما شرط فاسخ نیز در این گونه عقود صحیح و دارای اثر است. مثلاً شرط فاسخ در عقد وکالت که عقدی جایز است موجب می شود که در صورت حصول شرط، عقد وکالت خود به خود منحل می گردد و نیاز به فسخ عقد توسط وکیل یا موکل نیست.

لذا در این عقود، با شرط فاسخ نیز باید توجه داشت که برخی عقود با اراده طرفین آن قابل انحلال نیست نمی توان عقد را منحل نمود مانند عقد نکاح که تنها از طریق طلاق قابل انحلال است و شرط انفساخ قرارداد در این عقد بی اثر است. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۴۵۴-۴۵۵)

## ۲. شرط انفساخ در قانون مدنی

برخی شرط انفساخ را تابع احکام عمومی شروط و ماده ۱۰ قانون مدنی و در هر حال از اقسام «معامله با حق استرداد» می دانند. (کاتوزیان، ج ۵، ص ۱۷۴) ایشان رد این عبارت، دو موضوع جداگانه را طرح می نماید: یک موضوع، اثبات صحت شرط انفساخ و پذیرش صحت آن به لحاظ قانون است که بدین منظور به ماده ۱۰ استناد شده است. موضوع دیگر مربوط به ماهیت حقوقی معامله واجد شرط انفساخ و مقررات حاکم بر آن است که در این زمینه به مقررات مربوط به معامله با حق استرداد (قانون ثبت) استناد گردیده است. برای اثبات صحت معامله با شرط انفساخ و پیدا کردن جایگاه قانونی برای آن می توان به ماده ۱۰ قانون مدنی استناد کرد. این ماده مقرر می دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است.»

ماده ۴۹۷ قانون مدنی هم می تواند به نحوی بیانگر اراده ضمنی قانون گذار بر پذیرش شرط انفساخ و نهاد تعلیق در انحلال عقد باشد. در این ماده آمده است: «عقد اجاره به واسطه فوت موجر یا مستأجر باطل نمی شود و لیکن اگر موجر فقط برای مدت عمر خود مالک منافع عین مستأجره بوده است، اجاره به فوت موجر باطل می شود و اگر شرط مالک منافع عین مستأجره بوده است، اجاره به فوت موجر باطل می شود و اگر شرط مباشرت مستأجر شده باشد، به فوت مستأجر باطل می گردد.» همچنین ماده ۵۲۹ قانون مدنی در خصوص مزارعه و ماده ۵۴۵ آن، راجع به مساقات هم به همین نحو می تواند مثبت پذیرش شرط فاسخ از سوی قانون گذار باشد.

ماده ۵۲۹: «عقد مزارعه به فوت متعاملین یا احد آن ها باطل نمی شود مگر این که مباشرت عامل شرط شده باشد در این صورت به فوت او منفسخ می شود.»

ماده ۵۴۵: «مقررات راجعه به مزارعه که در مبحث قبل ذکر شده است در مورد عقد مساقات نیز مرعی خواهد بود...».

## شرط انفساخ در دکترین حقوقی

دکتر امامی پس از بیان اقسام پنج گانه صورت هایی که برای رد ثمن در بیع شرط در کتاب های

فقهی بیان شده، می نویسد: «چنانکه از عبارت ماده ۴۵۸ ق.م معلوم می شود، ماده مزبور ردّ ثمن را در خیار شرط به یک از دو قسم اول و دوم (قسم اول قید برای وجود خیار و قسم قید برای فسخ کردن عقد) اعتبار نموده است ولی چنان چه رد ثمن در عقد بیع، به یکی از سه قسم دیگر (ردّ ثمن فسخ فعلی، قید انفساخ، شرط لزوم اقاله) اعتبار شود عقد نیز خیاری می باشد و صحیح است. (امامی، ۱۳۵۵، ص ۵۶۶۰) دکتر کاتوزیان نیز این مورد را از خیار شرط جدا و تابع احکام عمومی شروط و ماده ۱۰ قانون مدنی دانسته است ولی در هر حال آن را از اقسام «معامله با حق استرداد» می داند. (کاتوزیان، ۱۳۸۰ ج ۵، ص ۱۷۴)

دکتر شهیدی قایل به صحت چنین معامله ای است و معتقد است که دلیلی بر بطلان آن در حقوق مدنی ایران و فقه امامیه نمی توان یافت. ایشان در تکمیل استدلال فقها بیان می دارد که اولاً: اصل صحت و عمومات «افوا بالعقود» و «المؤمنون عند شروطهم»، مثبت صحت و اعتبار این گونه عقد معلق است. ثانیاً: این که تحقق هر عمل حقوقی نیازمند انشا است و انفساخ معامله، به خودی خود و بدون انشای فسخ امکان ندارد، قابل تردید نیست، ولی برای تحقق انفساخ معامله نیازی به انشای مستقل فسخ بعد از انشای عقد وجود ندارد و دلیلی بر اثبات لزوم انشای جداگانه نمی توان یافت. لازم نیست که اول عقدی انشا شود و سپس فسخ یا اقاله آن به وسیله یکی از طرفین انشا گردد. (شهیدی، ۱۳۸۱، ص ۵۹-۶۰)

### شرط انفساخ در آراء دادگاه ها

شرط انفساخ در رویه دادگاه ها بویژه آراء صادره از دیوان عالی کشور، مورد پذیرش قرار گرفته است. بعنوان نمونه، در قسمتی از رأی شماره ۷۴۴/۳ مورخ ۱۳۷۱/۱۱/۱۹ صادره از شعبه سوم دیوان آمده است که همچنان که طرفین عقد می توانند اثر عقد را موکول به شرطی در آینده کنند، ممکن است انحلال عقد را معلق به وقوع حادثه ای در آینده نمایند که می توان از چنین شرطی به شرط فاسخ تعبیر نمود که در این نوع شرایط، در اثر تراضی طرفین، عقد بطور منجز ایجاد می شود ولی تحقق شرط، آن را خود به خود زایل می کند. اثر تراضی در شروط تعلیقی، ایجاد تعهد و دین و در شروط فاسخ، انحلال و سقوط آن است. شرط فاسخ با خیار شرط نیز از نظر ماهیت تفاوت

دارد زیرا خیار شرط به مشروط له حق می دهد که اگر مایل باشد عقد را فسخ کند ولی نتیجه شرط فاسخ، انحلال خود به خود عقد است و نیاز به تصمیم دیگر ندارد. (بازگیر، ۱۳۷۱، ص ۳۵)

### شرایط تحقق شرط انفساخ

شرط فاسخ به منظور انحلال قرارداد و از بین بردن آثار آن واقع می شود، اما خود نیز مبتنی بر نوعی قرارداد است و به تراضی واقع می شود و همانند سایر قراردادها، در رابطه دو طرف اثر می کند. ویژگی شرط فاسخ در این است که به جای ساختن عقد، به انحلال آن می پردازد. به عبارت دیگر، اثر شرط فاسخ، انحلال قهری و خود به خود عقد است که حق انتخابی برای طرفین یا دادگاه نمی گذارد؛ لیکن، ماهیت عقد را از ابتدا حذف نمی کند و اثر آن نسبت به آینده است. (لشکری، ۱۳۸۶، ص ۱۷۶)

### ۱. اناطه شرط به وقوع حادثه در آینده

تعلیق واقعی آن است که معلق علیه ناظر به آینده باشد و آلا چنانچه انعقاد عقد با انحلال آن (شرط انفساخ)، منوط به حادثه ای گردد که طرفین می دانند در آینده قابل تحقق نیست، به لحاظ عدم وجود قصد واقعی، توافق باطل است. از طرف دیگر، اگر عقد منوط به امری شود که در زمان توافق واقع شده است، قصد طرفین بر انعقاد عقد به نحو منجز است. (نائینی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۱۳؛ کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴)

### ۲. مدت دار بودن شرط انفساخ

شرط دیگری که برای اعتبار شرط فاسخ لازم است، قید مدت در شرط فاسخ است. ماده ۴۰۱ قانون مدنی در خصوص خیار شرط مقرر می دارد: «اگر برای خیار شرط مدت معین نشده باشد، هم شرط خیار و هم بیع باطل است.» در مورد علت فساد عقدی که در آن خیار شرط با مدت مجهول آمده است، سه نظر متفاوت ارایه شده است:

برخی بر این نظرند که اگر در عقد، خیار شرط بدون مدت قید شود، هم خود شرط و هم عقدی که متضمن این شرط است باطل خواهد بود، زیرا خیار شرط در عقود جایز که اساساً برای طرفین در هر موقعی حق فسخ موجود است، قابل تصور نیست، بنابراین استفاده از آن فقط در

عقود لازم ممکن می باشد و اگر بنا باشد که در عقد لازمی خیار شرط قید شود بدون این که مدتی برای آن معین شده باشد، این شرط با مقتضای عقد که لزوم آن است مخالف بوده و در نتیجه، شرط هم باطل و هم مبطل عقد می باشد. (عدل، ۱۳۷۳، ص ۲۴۱)

برخی دیگر از حقوق دانان چنین استدلال نموده اند که وجود خیار شرط برای هر یک از طرفین، سبب تزلزل مالکیت آن ها نسبت به مبیع و ثمن در مدت خیار می شود و مدت خیار در ارزش مورد معامل تأثیر می گذارد، هر چه مدت خیار بیشتر باشد از ارزش مورد معامله کاسته می شود و اگر مدت خیار مجهول باشد، معلوم نیست چه قدر از ارزش مورد معامله کاسته می شود. پس جهل به شرط، به مورد معامله سرایت می کند و مشمول بند دو ماده ۲۳۳ ق.م (شرط مجهولی که سبب جهل به عوضین می شود)، بوده و در نتیجه، هم شرط و هم عقد باطل می شود. (امامی، ۱۳۵۵، ص ۴۸۹؛ صفایی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۱-۳۱۲)

برخی دیگر با استدلال مشابه استدلال قبلی معتقدند که علت بطلان عقد دارای خیار شرط فاقد مدت این است که ارزش مورد معامله، برحسب این که طرف دیگر تا چه زمان اختیار فسخ داشته باشد، متعیّر خواهد بود، بدین معنی که مثلاً هرگاه شخصی بخواهد، فرشی را که مبلغ هشتصد هزار ریال ارزش دارد، به دیگری بفروشد و تا یکسال برای خود حق فسخ شرط کند، مسلماً ارزش فرش در این وضعیت کمتر از هشتصد هزار ریال خواهد شد و به همین ترتیب هرچه قدر مدت خیار بیشتر باشد، ارزش مبیع کمتر خواهد شدف زیرا اشخاص، کمتر مایلند معامله ای انجام دهند که تا مدت زیادی متزلزل بوده و برای ثبات و قطعیت آن لازم باشد مدت زیادی انتظار بکشند و در صورتی که هنگام معامله، مدت خیار شرط تعیین نشود معامله مزبور غرری خواهد شد و معامله غرری باطل است. (شهیدی، ۱۳۸۱، ص ۵۴؛ کاتوزیان، ج ۵، ص ۱۶۴)

با توجه به آن چه گفته شد، می توان نتیجه گرفت که حکم مزبور در ماده ۴۰۱ ق.م در خصوص معامله ای نیز که در آن شرط انفساخ با مدت مجهول شده است، قابل اجرا می باشد؛ زیرا در این مورد نیز غرر وجود دارد. با این وجود برخی معتقدند که در عقودی که غرر باعث بطلان آن می شود، لزوماً باید مدت شرط فاسخ معلوم باشد ولی در عقود غیر معوض، مجهول بودن مدت شرط به صحت آن خلل وارد نمی کند. (لشکری، ۱۳۸۵، ص ۱۷۵)

### نتیجه‌گیری

قرارداد ممکن است بدون دخالت اراده و به صورت قهری منحل و منفسخ شود. سبب انحلال گاه حکم قانون و گاه تراضی دو طرف قرارداد است

در هر موردی که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، در برابر او مسئولیت مدنی دارد. این مسئولیت ناشی از اراده و اختیارات انسان است. در هر صورت با وجود مسئولیت مدنی عقود ممکن است به عوامل متعددی منحل شوند. یکی از عوامل انحلال عقود، انفساخ است. انفساخ در صورتی حاصل می‌شود که شرایط مقرر در قانون مهیا گردد. در این مورد عقد به طور قهری منفسخ می‌شود. به عبارتی دیگر در این نوع از انفساخ سبب و نتیجه، قهری می‌باشند. اما گاهی ممکن است انفساخ ارادی باشد. در این صورت طرفین حادثه، فعل یا ترک فعل طرفین یا شخص ثالث را موجب انفساخ قرار می‌دهند. در این صورت با حصول شرط، عقد منفسخ می‌گردد. در این مورد برخلاف سبب، نتیجه به طور قهری ظاهر می‌گردد.

## منابع و مأخذ

۱. امامی، سید حسن (۱۳۵۵)، حقوق مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵)، المکاسب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری، چاپ اول.
۳. انصاری، مسعود و طاهری، محمد علی (۱۳۸۴)، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران، انتشارات محراب فکر، چاپ اول.
۴. بازگیر، یدالله (۱۳۷۹)، قانون مدنی در آینه آرای دیوان عالی کشور، خیارارت و احکام راجع به آنها، انتشارات فردوسی، چاپ اول.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۲)، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، تهران، گنج دانش، چاپ اول.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۲)، فرهنگ عناصر شناسی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول.
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷)، حقوق تعهدات، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ چهارم.
۹. حرعاملی، شیخ محمد بن الحسن (۱۴۱۲)، وسایل الشیعه، قم، موسسه آل البیت، چاپ اول.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵)، لغت نامه، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۱۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد عاملی (۱۴۱۳)، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول.



۱۳. شهیدی، مهدی (۱۳۸۱)، حقوق مدنی (سقوط قراردادها)، انتشارات مجد، چاپ پنجم.
۱۴. صفایی، سید حسین (۱۳۸۴)، قواعد عمومی قراردادها، انتشارات میزان، چاپ سوم.
۱۵. طباطبایی حکیم، سید محسن (بی تا)، نهج الفقاهه، نجف، مطبعه العلمیه، چاپ سوم.
۱۶. طباطبایی یزدی، علی بن محمد کاظم (۱۳۴۲)، العروه الوثقی، نجف، مطبعه الآداب.
۱۷. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۶۲)، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۱۸. عدل، مصطفی (۱۳۷۳)، حقوق مدنی، به کوشش محمدرضا بندرچی، انتشارات بحرالعلوم، چاپ اول.
۱۹. عمید، موسی (۱۳۵۰)، هبه و وصیت در حقوق مدنی ایران، بی جا، بی تا.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، نظریه عمومی تعهدات، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا.
۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، قواعد عمومی قراردادها، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا، چاپ پنجم.
۲۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ پنجم.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱)، الفروع من الکافی، بیروت، دارالصعب و دارالتعارف.
۲۴. لشکری، مریم السادات (۱۳۸۵)، انحلال قهری قرارداد در نظام حقوقی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
۲۵. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۶)، مباحثی از اصول فقه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۶. نائینی، میرزا حسین (بی تا)، حاشیه بر عروه الوثقی.
۲۷. نائینی، میرزا محمد حسین (۱۳۷۳)، منیه الطالب فی حاشیه مکاسب، تهران، مکتبه المحمدیه، چاپ اول.
۲۸. نوری، محمد علی (۱۳۸۰)، عقود و تعهدات از قانون مدنی فرانسه، تهران، گنج دانش.